

تحلیلی بر بنیادی‌ترین و کاربردی‌ترین مفاهیم نظری و عملی در گفتمان سلفیان جهادی معاصر*

حمزه علی بهرامی**

چکیده

سلفیان جهادی تکفیری یکی از گروه‌های وابسته به جریان اهل حدیث اهل سنت هستند. در قاموس فکری این جنبش عمل‌گرایی و جهاد یکی از اصلی‌ترین سازوکارهای ایجاد تغییر و تحول در جامعه است. نظر به گستردگی این جنبش و تأثیرگذاری آن در جهان اسلام معرفت و شناخت مبانی فکری این جریان یک ضرورت است. این پژوهش با روشی توصیفی و تحلیلی در پی پاسخ به این سؤال است که بنیادی‌ترین مفاهیم نظری و عملی در گفتمان سلفیان جهادی کدام‌اند؟ و این مفاهیم چه نقشی در کنش‌های جهادی‌ها ایفا می‌کنند؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که کلیدواژه‌هایی نظیر «کفر» و «ایمان»، «توحید در حاکمیت»، «تشکیل خلافت اسلامی»، «مبارزه با حاکمیت طاغوت»، «هجرت»، «عمل‌گرایی»، «پیوستگی میان ایمان و عمل»، «اصالت عمل»، «مخالفت با تفکر ارجاعی»، «توجه به نص قرآن» و «بی‌توجهی به مذاهب اربعه اهل سنت» از مؤلفه‌های این جنبش‌ها به شمار می‌روند.

کلید واژه‌ها: سلفیان جهادی، حاکمیت، تکفیر، جهاد، جاهلیت، ابن تیمیه.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۲۷ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۰۷ - نوع مقاله: علمی، پژوهشی.

** استادیار دانشکده الهیات و معارف گروه معارف دانشگاه اصفهان / bahrame1918@gmail.com

جنبش‌های سلفی معاصر تغییرات اجتماعی را در سه قالب و مدل تبلیغ، مدل امر به معروف و نهی از منکر و مدل جهاد ارائه می‌دهند (شحاده، ۱۳۹۵، مقدمه)

گروهی که تبلیغ را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار می‌دهند فقط به تبلیغ اکتفا کرده و وارد حوزه امر به معروف نمی‌شوند. روش تغییر از نظر این گروه، تصحیح عقاید و باورها و عبادات و اخلاق است و روشی مسالمت‌جویانه را در تعامل با نظام‌های سیاسی و حاکمیت در پیش می‌گیرند. از مظاهر این نوع جنبش سلفی می‌توان به گروه «جماعة التبلیغ» اشاره نمود.

گروهی دیگر از جریان‌های سلفی فراتر از تبلیغ، امر به معروف و نهی از منکر را سرلوحه خود قرار می‌دهند. «اخوان المسلمین» از مظاهر این گروه است. این گروه روشی اصلاح‌گرایانه، مسالمت‌آمیز، و تدریجی و مرحله‌ای را در تعامل با نظام‌های سیاسی برگزیده است. اخوان المسلمین بر اساس این روش به فعالیت‌های سیاسی پرداخته و در بسیاری از کشورهای اسلامی با ورود به مجلس به مشارکت سیاسی دست‌زده و در برخی دولت‌های عربی و اسلامی نیز وارد ساختار قدرت شده است. گروهی دیگر از جریان‌های سلفی، «جهاد» را روشی برای تغییر انتخاب کرده‌اند. مفهوم جهاد به‌عنوان تنها ایدئولوژی و راهبرد لازم برای تغییر نظام‌های سیاسی در جهان عرب و اسلام مبنای کار این گروه‌هاست. از این گروه‌ها با نام جنبش‌های سلفی جهادی یا سلفیان جهادی و ارهابی یاد می‌شود.

عمده‌ترین جنبش‌های سلفیان ارهابی معاصر عبارت‌اند از:

۱. گروه شباب محمد که در سال ۱۹۸۱م. انور سادات را ترور کردند. محمد عبدالسلام فرج از رهبران شباب محمد بودند؛
۲. سازمان فنی مهندسی نظامی به رهبری دکتر صالح سریه پایه‌گذاری شد؛
۳. گروه جماعت اسلامی در مصر (جماعة الجهاد)؛
۴. القاعده؛
۵. داعش؛
۶. جماعة المسلمین یا التکفیر و الهجره به رهبری شکری مصطفی؛
۷. مجاهدین افغان به رهبری احمدشاه مسعود؛

۸. جنبش فلسطینی حماس؛

۹. سپاه صحابه پاکستان؛

۱۰. طالبان افغانستان و... (مهدی بخشی، ۱۳۸۵: ۱۸۴)

مقاله پیش روی به مطالعه بنیادی‌ترین مفاهیم عملی نظری گفتمان سلفیان جهادی می‌پردازد.

۱. منابع سلفیان جهادی

ابن تیمیه با صدور فتوای جهاد علیه مغولان نقشی اساسی در شکل‌گیری باور این جنبش دارد. بنابراین از منابع اصلی سلفیان جهادی اندیشه‌ها و آثار ابن تیمیه، محمدبن عبدالوهاب و در دوره معاصر سیدقطب و مودودی و عبدالسلام فرج و عبدالله عزام و ابوقتاده، ابومحمد مقدسی... است.

برخی از مهم‌ترین کتاب‌هایی که به مبانی و مفاهیم جنبش‌های جهادی پرداخته‌اند، این موارد هستند:

- معالم فی الطریق نوشته سیدقطب؛

- المصطلحات الاربعه فی القرآن، نوشته مودودی؛

- رساله الايمان نوشته صالح سریه؛

- الفريضة الغائبة نوشته محمد عبدالسلام فرج؛

- ملة ابراهيم نوشته ابومحمد المقدسی؛

- فرسان تحت رایة النبی؛ الحصاد المرّ نوشته ایمن الظواهری؛

- آثار جنبش جماعت اسلامی نظیر میثاق العمل الاسلامی، اصناف الحکام و

احکامهم، حکم قتال الطائفه الممتنعه عن شرائع الاسلام، حتمیه المواجه؛

- مطالب منتشره شده سازمان القاعده در افغانستان و عراق و یمن و الجزایر؛

- آثار عبدالله عزام؛^۱

۱. «الدفاع عن اراضی المسلمین»، «فی الجهاد آداب و احکام»، «الحق بالقافله»، «جهاد شعب مسلم»، «حماس الجذور و التاريخ و الميثاق»، «جريمة قتل النفس المسلمة»، «فی خصم المعركة»، «العقيدة و اثرها فی بناء الجيل»، «التربية الجهادية و البناء».

- آثار عبدالقادر عبدالعزيز (سید امام)؛^۱
- «الجهاد و الاجتهاد» نگاشته ابوقتاده فلسطینی؛
- آثار ابو محمد مقدسی؛^۲
- آثار ابوبصیر طرطوسی؛^۳
- اداره التوحش اخطر مرحله ستمر بها الامه، تالیف ابوبکر ناجی؛
- «فقه الدماء» تألیف ابو حمزه مهاجر.

۲. مفهوم شناسی

المقدسی، سلفی‌گری جهادی را این‌گونه تعریف می‌کند: جریانی است که برای تحقق توحید به جهاد با طاغوت‌ها می‌پردازد». (شحاده، ۱۳۹۵: ۱۱۷)

اصطلاح سلفیه جهادیه از اواخر دهه هشتاد میلادی با پیدایش گروه‌هایی که جهاد را تنها راه تغییر و دعوت اسلامی می‌دانستند، رایج شد. این عنوان در زمان انور سادات به جریانی فکری با شاخصه‌هایی روشن تبدیل شد. سلفی‌های جهادی، جهاد را یک واجب عینی و یکی از ارکان خود می‌دانند. اولین کسی که اصطلاح سلفیه جهادی را به کار برد، عبدالله عزام در سال ۱۹۸۷ م. بود (سمیر الحمادی، پایگاه وهابیت شناسی)

مؤلفه‌های اصلی سلفیان جهادی عبارت است از:

تمرکز بر مباحث توحید خصوصاً توحید در ربوبیت و توحید در حاکمیت، مبارزه با طاغوت و قوانین وضعی بشر، قرآن‌گرایی و توجه و تمرکز بر نص و ظاهر قرآن و کم‌توجهی به حدیث و تفسیر و تأویل، تمرکز بر آیات جهاد و منسوخ دانستن آیات صلح و بیان و عفو، بی‌توجهی به فقه سنتی و مذاهب اربعه، کم‌توجهی به علوم عقلی نظیر فلسفه، عمل‌گرایی و باور به پیوستگی

۱. «العمدة فی اعداد العدة»، «الجامع فی طلب العلم الشریف»، «النصیحة فی التقرب الی الله»، «الارهاب من الاسلام و من انکر ذلک فقد کفر»، «اسرار تنظیم القاعده».

۲. مانند: «الکواشف الجلیة فی کفر دولة السعودیه» و «وقفات مع الثمرات الجهاد».

۳. مانند: «اعمال تخرج من الملة»، «شروط لاله الله»، «حکم الاسلام فی الديمقراطية» و «الطاغوت».

میان ایمان و عمل و مخالفت با تفکر ارجاء، اعتقاد به وجوب امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه عملی با حاکمان قصرها... (بهرامی، ۱۳۹۷: ۸۹)

۳. پیشینه

علی‌رغم اینکه نویسندگانی نظیر آیت الله سبحانی، نجم الدین طبری، دکتر الله‌باداشتی، دکتر علیزاده موسوی، دکتر احمد پاکتچی، دکتر فرمانیان، مجید فاطمی نژاد، حمید ایماندار، سید لطف‌الله جلالی، سید ابوالحسن نواب، مصطفی عزیزی علویجه و... به صورت پراکنده در آثار خود اشاراتی به برخی از این مسائل داشته‌اند، اما با کاوشی که داشتیم تا کنونی پژوهشی که از این زاویه جنبش‌های سلفی جهادی معاصر را به صورت خاص و مستقل مطالعه کرده باشد یافت نشد، لذا پژوهش پیش روی از این حیث دارای جنبه نوآورانه و پاسخ به یک خلاء پژوهشی است. وجود حداقل یک مقاله فارسی در این موضوع یک ضرورت به نظر می‌رسد. شاید نزدیک‌ترین مقاله به موضوع بحث ما مقاله «ادله داعش بر خلافت اسلامی» نوشته سعید غلامزاده باشد. همچنان‌که از عنوان این مقاله ظاهر است این پژوهش فقط آموزه خلافت را آن هم فقط از دیدگاه داعش بررسی می‌کند، در حالی که موضوع مقاله نگارنده بسیار جامع‌تر از مقاله غلامزاده است.

۴. بنیادی‌ترین مفاهیم نظری و عملی در گفتمان سلفیان جهادی

۴.۱. توحید، کفر و ایمان:

یکی از انگیزه‌های اصلی شکل‌گیری جنبش‌های جهادی دعوت به توحید و یکتاپرستی و مبارزه با شرک و بدعت و کفر است. جهادی‌ها دعوت مردم به سوی توحید را در صدر اولویت‌های خود قرار می‌دهند. واژه «توحید» در نام بسیاری از این جنبش‌ها وجود دارد. توحید، تعیین‌کننده حدومرز دیگر مفاهیم اصلی این گفتمان است. توحید نقطه مشترک همه جنبش‌های سلفی است. هرچند در جزئیات باهم اختلاف دارند. مفهوم حاکمیت و طاغوت بخش سیاسی توحید و جاهلیت بخش اجتماعی توحید است. (شحاده، ۱۳۹۵: ۹۷)

توحید با دو مفهوم کفر و ایمان تبیین می‌شود. این دو واژه نقشی اصلی در تقسیم مردمان جهان به دو گروه مؤمنان و کافران و دارالاسلام و دارالکفر دارند. مفهوم «ایمان» و نقیض آن «کفر»، معیاری است که سلفی‌گری جهادی آن را به جای دیگر معیارهای جنسیتی، نژادی، و خونی در عرصه تعامل با دیگری مبنای قرار می‌دهد.

۲.۴. مخالفت با ایمان مرجئه:

«ایمان» از دید سلفیان جهادی عبارت است از سخن، باور، و کرداری که قابلیت افزایش و کاهش را دارد. سلفیان جهادی به خلاف سلفیان سنتی و درباری، معنایی مخالف با تعریف مرجئه از ایمان دارند. برای مثال عبدالقادر عبدالعزیز در تعریف «ایمان»، اصالت را به عمل می‌دهد. وی علائم ذیل را نشانه‌های اسلام و ایمان یک شخص و عدم آن را از نشانه‌های کفر و شرک او می‌داند:

اقرار به شهادتین، اقرار به مسلمانی، اقامه اذان و نماز و حج، شهادت دیگر مسلمانان به اسلام او، داشتن والدین مسلمان، تلاوت قرآن... (عبدالعزیز، بی‌تا: ۴۵)

همچنین شیخ علی بن نقیع العلیانی می‌نویسد:

مرجئه کسانی هستند که عمل را از دایره ایمان خارج می‌دانند. عقاید گروه مرجئه تأثیر مهمی در حذف فریضه جهاد یا تضعیف آن داشته است. چگونه می‌توان تصور کرد کسی بر این باور است که ایمان فقط معرفت است اما در عمل با کافران یهود و نصارا جهاد می‌کند؟ اگر ایمان شخص کامل است چه نیازی به جهاد دارد؟ (العلیانی، بی‌تا: ۴۶۵)

محمود ابوعمر، پدیده ارجاء را یکی از شیوه‌های انحراف یافته اهل سنت و جماعت می‌داند. او با انتقاد به سلفیان علمی نظیر البانی می‌نویسد:

البانی صرف انجام اعمال کفرآمیز را در کفر یک شخص کافی نمی‌داند و معتقد است که افزون بر ارتکاب عمل کفرآمیز اعتقاد و باور قلبی به حلال بودن حرام و یا اعتقاد به حرام بودن یک حلال لازم است. (ابوعمر، بی‌تا: ۲)

ابوقتاده می‌نویسد:

هنگامی که عقیده ارجاء وارد جامعه اسلامی و با عقیده جبر همراه شد که جبر نیز ارزشی برای عمل مطابق سنت قائل نیست، بلکه زندگی را حالتی برنامه‌ریزی شده از غیب و پیشینی می‌داند، روش‌های صوفی‌گری را به وجود آوردند، اما تحقق پیروزی بر دشمنان خدا از طریق صوفیگری و شب‌زنده‌داری و تهجد و روزه و نخوردن غذا حاصل نمی‌شود، بلکه امیر باید رزمندگان را از شب‌زنده‌داری منع کند و آن‌ها را به خوردن غذا تشویق کند و جسمشان را تقویت کند تا بر دشمنان پیروز شوند. به دیگر سخن باید میان سبب و مسبب سازگاری وجود داشته باشد. (ابوعمر، بی‌تا(ج: ۱۴) به نظر می‌رسد تأمین نیازهای جنسی جهادگران در قالب جهاد نکاح از پیامدهای چنین تفکری باشد.

۴.۳. حاکمیت:

یکی از مفاهیم بنیادین در گفتمان سلفیان جهادی، «حاکمیت» است. مضمون سیاسی توحید در حاکمیت یعنی بی‌اعتقادی به قوانین اساسی، نظام‌ها، حکومت‌ها و نهادهای سیاسی نظیر مجلس، احزاب، دولت‌ها و دادگستری و تشکیلات نظامی مانند ارتش و نیروهای امنیتی. دلیل این امر منحصر دانستن خداوند در حق قانونگذاری و حکمرانی است.

بر اساس آیه ۵۱ سوره نحل^۱ قرار دادن خدای دیگری در کنار «الله» در زمینه قانونگذاری و حکمرانی، عین شرک است که خداوند از آن نهی کرده است. (شحاده، ۱۳۹۵: ۱۴۶)^۲

ابن تیمیه ذیل آیه ۲۱ سوره مبارکه شوری^۳ می‌نویسد:

۱. «وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَإِبَّيْ فَازْهَبُونَ». (نحل: ۵۱)

۲. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ». (نحل: ۳۶)

۳. «أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ». (شوری: ۲۱)

هر کسی از قانون و حکمی پیروی کند که خداوند اجازه نداده است، برای خداوند شریک قائل شده و توحید تشریحی و توحید در حاکمیت را انکار نموده است. (ابن تیمیه، ۲۰۰۵م: ۴/۱۹۵؛ ۲۰/۳۵۸)^۱

ابن تیمیه ذیل آیه ۲۶ کهف^۲ توحید در حاکمیت و قانونگذاری را اصل توحید و از اصول ایمان و از لوازم شهادتین می‌داند. وی مراجعه به غیر حکم خداوند را مراجعه به طاغوت و شرک می‌داند.^۳ ابن تیمیه ذیل آیه ۶۵ نساء^۴ می‌نویسد: «کسانی که حتی جزئی از حاکمیت خدا و رسولش را نمی‌پذیرند فاقد ایمان هستند». (ابن تیمیه، ۱۴۲۵: ۱۲۲)^۵

سیدقطب می‌نویسد: «چون حاکمان کشورهای اسلامی به وضع قوانین می‌پردازند، لذا در مقابل حاکمیت حق تعالی قرار گرفته و کافر می‌شوند». (سیدقطب، ۱۳۸۹: ۳/۱۰۷۵)

قطب معتقد بود: «اسلام قبل از هر چیز بازگرداندن حاکمیت به خداوند در تمامی امور و طرد تجاوزگرانی است که با قائل شدن این حق برای خویشان، به سلطنت خداوند تجاوز می‌نمایند». (سیدقطب، ۱۳۹۴: ۲۶)

قطب شعار «لا اله الا اله» را به معنای نفی حاکمیت و شریعت و قانون غیر خداوند می‌داند. حاکمیت الله اساس اسلام است و در حاکم شدن دین او و آزاد

۱. فَمَنْ نُدِبَ إِلَى شَيْءٍ يَنْتَرِبُ بِهِ إِلَى اللَّهِ أَوْ أُوجِبَهُ بِقَوْلِهِ أَوْ فِعْلِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَسْرِعَهُ اللَّهُ: فَقَدْ شَرَعَ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَمَنْ اتَّبَعَهُ فِي ذَلِكَ: فَقَدْ اتَّخَذَ شَرِيكًا لِلَّهِ شَرَعَ فِي الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ.

۲. «مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا». (کهف: ۲۶)

۳. ... من ایمانها بأن الحكم بما أنزل الله تعالى من مقتضى الشهادتين اللتين هما عنوان هذا الدين، ومن أصل التوحيد الذي يقوم عليه كل دين الإسلام، ولهذا جعل الله تعالى التحاكم إلى غيره عبادة للطاغوت،.. وجعل الإشراك به في حكمه من الشرك بالله تعالى.

۴. «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُواكَ فِيمَا سَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيَسَلَّمُوا تَسْلِيمًا». (نساء: ۶۵)

۵. و نفی الإیمان عنمن لا يحکم بما جاء به الرسول فی کل شیء.

شدن از حاکمیت نظام‌های دموکراتیک و سوسیالیست و سکولار بشری حاصل می‌شود. (سیدقطب، ۱۹۷۹م: ۲۴، ۴۶ و ۱۲۴)

دکتر عمر عبدالرحمان در جریان دفاع از خود در دادگاه ترور انور سادات می‌گوید:

حاکمیت به معنای آن است که تنها خداوند است که مالک و فرمان دهنده و قانونگذار است، و هیچ‌کس و هیچ‌حزب و گروهی و مجلسی جز خداوند اجازه حکمرانی و قانونگذاری ندارد. مردم نیز دارای حق ابتدایی تشریح نیستند و تنها باید به اجرای مستقیم چیزی بپردازند که خداوند تشریح کرده است. حلال یا حرام کردن از روی هوای نفس و بدون ضابطه شرعی، ستیزه‌گری با حاکمیت الهی و عبودیت غیر خداست. (عبدالرحمن عمر، بی‌تا: ۹۸)

عبدالقادر بن عبدالعزیز می‌نویسد:

امپراتوری غرب از طریق سیطره بر امر قانونگذاری در سرزمین‌های اسلامی و به دست گرفتن حکومت در بلاد مسلمانان احکام شریعت را از عرصه قضاوت کنار زد و آن را با قوانین وضعی جایگزین نمود و جوامع اسلامی را به تباهی و فساد و تجزیه کشاند. اقدام استعمارگران غرب و صلیبی‌ها در تحمیل قوانین خودشان در جهان اسلام با ایجاد دانشسراهای حقوق حتی در حمله قوم مغول هم دیده نشده است. صلیبی‌ها و غربی‌ها با وضع قوانین غیردینی، انجام همه گناهان کبیره نظیر شرب خمر... را ازاد و قانونی کردند. (عبدالعزیز، بی‌تا: ۱۰۴۵/۲)

المقدسی می‌نویسد اینکه در رسانه‌ها ما را گروه‌های تندرو تکفیری می‌خوانند به خاطر این است که تمرکز ما در توحید در حاکمیت است. ابو محمد المقدسی و ابوقتاده و شیخ عبدالله عزام رجوع به قوانین وضعی بشری را ناقض و نافی توحید و حاکمیت و عبودیت خداوند می‌دانند. آن‌ها حاکمیت قوانین الهی را اساس دین اسلام می‌دانند. داوری جویی از کلام بشر خروج از دایره اسلام و کفر است. جیش جهادی «انصار السنه» عراق می‌نویسد:

پذیرش قوانین بشری پذیرش حکم غیر خداوند و خروج از حاکمیت دین اسلام است. دموکراسی پیام کفرآمیز است که موجب الوهیت و ربوبیت و حاکمیت مخلوق می‌شود. نظام‌های حقوقی در کشورهای اسلامی نظامی شرک آلود هستند. واضعان و کارکنان آن‌ها نیز مشرک هستند. رأی دادن و رأی گرفتن برای مجلس یا شورای و... جایز نیست و اعضای آن‌ها مرتد هستند. این مجالس خانه الهه و بت هستند. (شحاده، ۱۳۹۵: ۹۷، ۱۱۳ و ۱۱۶)

ارزیابی:

۱. مسئله «توحید حاکمیت» در فرق کلامی معمولاً ذیل تفسیر آیه ۴۴ سوره «مائده» (وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ) تحت عنوان مسئله «حکم بغیر ما أنزل الله» مطرح می‌شود؛ به این معنا که حکم کردن خلاف آنچه خداوند متعال نازل کرده موجب کفر است.

اکثر مفسران اهل سنت و حتی رهبران سلفی نظیر طبری، ابن‌کثیر، ابن‌تیمیه، آلوسی و رشیدرضا، تکفیر حکام را از آیه برداشت نکردند. آیه حکم ارتداد افرادی را بیان می‌کنند که قضاوت بغیر ما انزل الله را حلال دانسته و نوعی انکار ضروریات دینی را قلباً اظهار می‌کنند. طبری می‌نویسد: «من جحد ما انزل الله فقد كفر ومن اقر به لم يحكم به فهو ظالم فاسق»؛ عدم انکار حکم خداوند، ولی ترک حکم خداوند از روی جهالت موجب کفر نیست، بلکه موجب عصیان و گناه است. ابن‌کثیر کفر در آیه را کفر اکبر نمی‌داند (کفر به خداوند و ملائکه) و معتقد است این کفر، کفر اصغر است که موجب خروج از اسلام نمی‌شود، زیرا به انکار حکم الهی پرداخته است. (ابن‌تیمیه ۱۴۳۲: ۴۷۸)

۲. وضع قوانین بشری هم نمی‌تواند موجب کفر حاکمان اسلامی شود. کفر حاکمان شرایطی دارد که در صورت تحقق آن شرایط کافر هستند برای مثال طبق آیه «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا» (نمل: ۱۴) اگر حاکم با علم و یقین قطعی به حکم خداوند آن را انکار کند و خلاف آن حکم صادر کند، کافر می‌شود. در صورتی که اکثر حاکمان کشورهای اسلامی این‌گونه نیستند.

بنابراین صرف وضع قوانینی که در قرآن و سنت نیست و حتی اخذ آن از کشورهای غربی فی‌نفسه موجب کفر و جاهلیت نیست. همچنین در صورتی که حاکمان اسلامی نیز قوانینی وضع کنند نهایتش موجب کفر اصغر است نه اکبر.

۴.۴. خلافت اسلامی:

یکی از آرمان‌های جنبش سلفی جهادی در تحقق بخشی به حاکمیت خداوند، برپایی نظام خلافت اسلامی یا امارت اسلامی است. مدلی از حکومت که در رأس آن یک خلیفه حضور دارد و وظیفه آن اجرای شریعت اسلامی است.

خلافت عثمانی آخرین حکومتی است که مدل سیاسی خلافت در آن جاری بود. این حکومت در سال ۱۹۲۴م. از هم فروپاشید. سلفیان معتقدند که با فروپاشی مدل خلافت ذلت مسلمانان و استعمار آنان آغاز شده و شریعت اسلامی کنار گذاشته شد. از سوی دیگر، زمینه برای دعوت اندیشه‌های کفرآمیز و غرب‌گرا و سکولار و قومیت‌گرا در جهان اسلام فراهم شد. بحران اسرائیل یکی از آن‌ها است و با الغای خلافت اسلامی، سایه دارالاسلام و دارالمؤمنین از روی زمین رفت. شکل‌گیری جنبش‌های جهادی نظیر اخوان المسلمین بر اساس بازگشت به سیره و سنت و سبک زندگی سلف صالح بوده است که یکی از مظاهر اجتماعی و سیاسی سلف مدل خلافت اسلامی بوده است. (دسوقی، ۱۹۹۸: ۴۸۶)

خلافت برای جهادی‌ها هدفی است که به هر شکل ممکن باید به آن دست یافت. عبدالسلام فرج می‌نویسد: «تلاش برای اقامه خلافت و دولت اسلامی برای هر مسلمانی واجب عینی است». (عبدالسلام فرج، بی‌تا: ۳)

کار داعش و طالبان به نوعی از آوارگی در آوردن خلافت بود. یکی از اهداف اصلی شکل‌گیری القاعده تشکیل خلافت اسلامی است. (کمیل طویل، ۱۳۹۱: ۶۱)

تقی‌الدین نهبانی مؤسس حزب التحریر^۱ تشکیل خلافت اسلامی را از اصول این جنبش می‌داند. (فراستی، ۱۳۹۶: ۱۰۱)

۱. این حزب در آسیای میانه فعال است.

۵. ۴. جاهلیت:

جاهلیت از ماده جهل، نقیض علم است. (ابن فارس ۱۴۰۴: ۱/ ۴۹۸) این واژه، ریشه قرآنی دارد و استعمال آن به صدر اسلام برمی‌گردد. ریشه «جهل» سیزده بار در قرآن به کار رفته است. واژه «جاهلیت» چهار بار در قرآن به کار رفته است:

- «بُظُنُونًا بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ». (ال عمران ۱۵۴)؛

- «أَفْحَكَمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ». (مانده ۵۰)؛

- «وَقُرْنِ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى». (احزاب ۳۳)؛

- «إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ». (فتح ۲۶)

مفسران، ذیل آیات فوق منظور از جاهلیت را مصادیقی نظیر حکم به آیین یهود، یا احکامی مخالف کتاب خدا و توحید دانسته‌اند.

از دیدگاه سلفیه جهادی، جاهلیت قبل از اسلام و جاهلیت کنونی (نوین) همه در ماهیت و مفهوم یکی است و فقط در مصداق و کیفیت و برخی از ویژگی‌ها باهم تفاوت دارند نه در ماهیت. در منابع سلفیان جهادی جاهلیت به سه دوره تقسیم شده است:

- دوره اول: جاهلیت نخستین و جاهلیت عرب قبل از اسلام و جاهلیت یونان و روم باستان است.

- دوره دوم، جاهلیت در فسادهای صومعه‌ها و کلیساها و خرید و فروش جهنم و بهشت است.

- در دوره سوم جاهلیت نوین و مدرن ترکیب دوره اول و دوم با مواردی دیگر است. مفهوم نوین جاهلیت در مقابل علم و فرهنگ قرار نمی‌گیرد. خودخواهی و مغرور شدن بشر به پیشرفت علوم جدید و فناوری، عنان‌گسیختگی و خودنمایی زنان، رقص، توهین و تمسخر دین، ترک فرایض دینی، آزادی شرب خمر و زنا و قمار... از مصادیق و ویژگی‌های جاهلیت مدرن است. (محمد قطب، بی‌تا: ۱۰، ۴۶ و ۹۸؛ صبور، ۱۳۹۳: ۹۹)

سلفیان عصر جاهلیت را عصر بی‌دینی می‌دانند. آنان همه مشکلات اخلاقی، اعتقادی، علمی، اجتماعی، رفاهی تمدنی و... جاهلیت را ناشی از بی‌دینی و دوری از تعالیم وحی می‌دانند. هر چیزی که اسلامی نیست بُعدی از جاهلیت دارد. لذا

همه گناهان و خطاها جاهلی تلقی می‌شوند. تمامی ادیان غیر از اسلام نظیر یهودیت، نصرانیت، و حتی فلاسفه و صوفیه محکوم به جاهلیت هستند. (ابن تیمیه ۱۴۲۶: ۱۴ / ۲۹۱؛ همان: ۱۲ / ۳۳۹؛ همان: ۲۸ / ۴۲۰) محمدبن عبدالوهاب و نوسلفیانی نظیر سید جمال‌الدین اسدآبادی، محمد عبده، رشیدرضا و سیدقطب رسماً جاهلیت را در مقابل اسلام قرار داده و جوامعی را که دین صحیحی ندارند و یا هر آنچه را غیر اسلامی است، جاهلی نامیده‌اند. (رشیدرضا، ۲۰۱۰م: ۳۰ / ۳۹۴)

از نگاه سیدقطب جاهلیت فقط یک مرحله تاریخی قبل از اسلام نیست که سپری شده باشد، بلکه جاهلیت نوعی سبک زندگی است که در زمان معاصر نیز تداوم دارد.

باورهای مردم، عادات و آداب و رسوم، منابع فرهنگی منابع اسلامی، علم، فلسفه، هنر و ادبیات و قوانین و مقررات همه این موارد جاهلی و دست‌ساز جاهلیت است. (سیدقطب، ۱۹۷۹م: ۱۱۸) سید می‌نویسد: «باید خود را از جاهلیت برهانیم تا زمینه تکوین نسل جدید را همچون صدر اسلام فراهم کنیم». (سیدقطب، ۱۹۷۹م: ۱۷-۳)

وی در تفسیر آیه ۴۱ سوره مبارکه انفال می‌نویسد: «مردم به جاهلیت نخستین برگشته‌اند و زمام امور خود را به دست خدایانی جز خدای یگانه سپرده‌اند». (سیدقطب، ۱۴۰۵: ۱۰ / ۱۱) چنین تفسیری موجب انقلابی شدن جنبش‌های جهان اسلام از جمله اخوان المسلمین شد. محمد قطب می‌نویسد:

جوامع اسلامی جاهلی و غیر اسلامی هستند. از ظاهر و پوشش زنان و مردان و رقص و خمر و زنا و قمار و عدم اجرای فرایض الهی مطمئن می‌شویم که این جوامع و حکومت‌های آن جاهلی و کافر و مهذور الدم هستند. (خفاجی، ۲۰۰۹م: ۸۶)

بنا به گفته عبدالسلام فرج، پس از سال ۱۹۲۴ که خلافت اسلامی از بین رفت، جامعه دوباره به جاهلیت بازگشت. جامعه کنونی مسلمانان تبدیل به دارالکفر شده و حاکمان مرتد و کافر شده‌اند. (عبدالسلام فرج، بی تا: ۶)

به باور عبدالله عزام و بن لادن، جامعه کنونی غوطه‌ور در ضلالت و جاهلیت است. احکام حقوقی جوامع فعلی مصداق آیه «افحکم الجاهلیة بیغون» و جاهلیت است. حاکمان فعلی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی جاهل و کافر و مرتد هستند. جهاد علیه آن‌ها واجب است. ابومحمد مقدسی و ابوقتاده فلسطینی و ابومصعب صوری جامعه کنونی را فرورفته در جاهلیتی بدتر از جاهلیت دوران پیامبر ﷺ می‌دانند. از مظاهر جوامع جاهلی جایگزینی احکام بشری به جای احکام الهی است. به نظر آن‌ها، عقاید، آداب و رسوم، حتی بعضی از علوم همچون فلسفه، جاهلیت است. جهاد را یک فریضه واجب برای نجات اسلام از جاهلیت و شرک و بازگرداندن آن به دوران پیامبر و صحابه می‌دانند. (عزام، بی تا: ۴؛ صبور، ۱۳۹۳: ۱۰۳)

در نگاه ایمن الظواهری و ابومصعب زرقاوی، در کشورهای اسلامی حاکمان عامل اجرا نشدن احکام اسلامی هستند، لذا این کشورها و حاکمانشان مصداق جاهلیت و بلاد کفر و کافر هستند. علت غوطه‌ور شدن مردم در جاهلیت، حاکمان آن‌ها هستند. بنابراین جهاد علیه این حکام واجب عینی است. (زرقاوی، بی تا: ۱۷؛ زرقاوی ۱۴۲۷: ۷)

بنابراینچه گفته شد مؤلفه‌های جوامع جاهلی عبارت است از:

۱. حکم خداوند اجرا نمی‌شود.
۲. بر اساس آیه «وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» (مانده: ۴۴)، این جوامع و حاکمانشان کافر هستند.
۳. در غیر الهی و نامشروع بودن نظام‌ها و حاکمان اسلامی تفاوتی میان مدل دیکتاتوری با دموکراسی آن‌ها وجود ندارد. هر دو مظهر جاهلیت و طاغوت هستند (طرطوسی، ۲۰۱۶م: ۱۲)
۴. خروج و قیام و جهاد علیه این نوع جوامع و حاکمان واجب است.

۵. ارتباط جاهلیت با حاکمیت: سیدقطب، معتقد است که مفهوم جاهلیت ارتباط مستقیمی با حاکمیت دارد. وی در تفسیر آیه ۱۲ انعام می‌نویسد: «گرچه اعراب جاهلی خالقیت خداوند را قبول داشتند، اما چون منکر حاکمیت خداوند بودند قرآن آن‌ها را با وصف جاهلیت و مشرک خطاب می‌کند». (سیدقطب، ۱۹۸۸م: ۱۰۴۸)

ارزیابی:

در نقد مفهوم جاهلیت نامیدن عصر جدید از سوی نو سلفیان جهادی مقاله‌ای با عنوان «تلقی غلط از جاهلیت نو سلفیه»، نوشته ابوذر مظاهری (۱۳۹۸) منتشر شده است.

۱. تلقی سلفیان جهادی از جاهلیت صحیح نیست؛ آنان به جای توجه به تمدن نوین اسلامی، باقی مانده تمدن اسلامی را نیز نابود می‌کند.

۲. جاهلی و کافر خواندن جهان و حاکمان اسلامی و اهل قبله، بدعتی است که دستاویزی برای جنبش‌های تکفیری جهت ترور امثال انور سادات در جهان اسلام شده است.

۳. به نظر، مفهوم جاهلیت پس از مودودی و سیدقطب دچار تحریف شده است. برای مثال سید جاهلیت را در حاکمان کشورهای اسلامی می‌دید نه توده مردم. هیچ‌گاه عموم مسلمانان را تکفیر نکردند و مردم را نیز به شورش‌های خیابانی دعوت نکردند. آنان یک مفهوم سیاسی از تکفیر داشتند نه مفهوم اعتقادی، ولی جنبش‌هایی جهادی نظیر داعش جاهلیت را در عقاید و باورهای توده مسلمانان اهل قبله و تکفیر و کشتن آن‌ها می‌دانند.

۴. بر اساس تعریف سلفیان جهادی بسیاری از جوامع اسلامی مصداق جاهلیت هستند. این تلقی نوعی استثناء قبیح است.

۶. ۴. جماعت، امت:

نزد گروه‌های سلفی، واژه «جماعت» یا «امت» بسیار مهم است. سلفیان جهادی همواره بر مفهوم امت در مقابل ملت‌گرایی و ملی‌گرایی تأکید می‌کنند. آن‌ها با

مذمت ملی‌گرایی آن را مفهومی وارداتی و غربی می‌دانند که مخدوش‌کننده قوام امت اسلامی است. سلفیان قومیت‌گرایی و ناسیونالیسم را نشانه‌هایی از جاهلیت می‌دانند. (کوپل، ۱۳۸۲: ۴۳)

مودودی جماعت را شامل همه مسلمانان، اعم از شیعه و سنی می‌دانست. داعش نیز با استناد به برخی از روایات اسلامی بر مفهوم امت تأکید می‌کند. مانند اینکه رسول خدا ﷺ فرمود: «من به شما پنج دستور می‌دهم که خداوند آن را به من داده است: جماعت، سمع، طاعت، هجرت و جهاد». (نشریه دابق، ش ۱: ۳۱)

در نگاه سلفیان، بنای جماعت جز به جهاد میسر نیست و جهاد ابزار رزمی برای دستیابی به آرمان آنان است. همین مفهوم جماعت موجب شده است که نیروهای داعشی بدون توجه به کشور و زبان و نژاد خود، ترکیبی از ملیت‌های مختلف باشند. برای مثال باشگاه خبرنگاران جوان، در گزارشی ترکیب داعش را از کشورهای کانادا، ایرلند، بلژیک، فرانسه، دانمارک، سوئد، فنلاند، اسپانیا، سوئیس، ایتالیا، اتریش، بوسنی و هرزگوین، کوزوو، آلبانی، اوکراین، روسیه، قزاقستان، ترکیه، مراکش، الجزایر، تونس، فلسطین، لیبی، مصر، کویت، اردن، عربستان، بحرین، قطر، امارات، یمن، سومالی، سودان، افغانستان، پاکستان، چین، استرالیا، اندونزی و... می‌داند. (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۴/۵/۱۱۳؛ جغرافیای ملیتی و جمعیتی داعش)

۴.۷. جهاد:

یکی از پایه‌های فکری سلفیان جهادی، مفهوم «جهاد» است. «جهاد» راهبردی‌ترین ابزار تغییر حکومت‌هاست. جهاد نسبت به سایر عبادات نظیر نماز و روزه و حج، ترجیح دارد. (زرقاوی، ۱۴۲۷: ۲۱۴)

اندیشه‌های ابن تیمیه خصوصاً فتوای او در جهاد علیه صلیبیون و مغول‌ها نقشی برجسته در شکل‌گیری گفتمان سلفی جهادی دارد. بعدها محمدبن عبدالوهاب و در عصر حاضر مودودی و سید قطب بودند که به جهاد توجهی خاص داشتند.

سلفیان جهادی مفهوم جهاد را کنش مسلحانه علیه حکام اسلامی تفسیر می‌کنند. در ادبیات سنتی، دارالاسلام یا دارالکفر بر اساس غلبه جمعیتی مسلمانان بر کفار

یک سرزمین شناخته می‌شد، اما در ادبیات سلفیه جهادی، هر جایی که احکام اسلامی در همه عرصه‌های فردی و اجتماعی اجرا نشود، آنجا حکم دارالکفر را داشته و جهاد علیه آن‌ها لازم است. (نسیره، ۲۰۱۳م: ۱۲۵۰)

حسن البنا پایه‌گذار اخوان المسلمین در بخش پایانی کتاب «رساله الجهاد» می‌نویسند:

برادران خود را برای کار بزرگ (جهاد) آماده سازید و به مرگی که به شما زندگانی خواهد بخشید اهتمام ورزید. برای مرگ با ارزش کار کنید تا سعادت کامل نصیبتان شود. خداوند شهادت در راه خود را روزی ما و شما کند. (البنا، بی‌تا: ۱۷۱)

اندیشه‌های سیدقطب نقشی اساسی در شکل‌گیری جنبش‌های جهادی تکفیری داشت. برای مثال جمال خلیفه، دوست بن‌لادن پایه‌گذار القاعده می‌نویسد:

بن‌لادن از دوران کودکی اش آثار سیدقطب را مطالعه می‌کرد. ایمن الظواهری دومین شخصیت القاعده روشن‌اندیشی خود را محصول مطالعه آثار سیدقطب می‌دانست. (برگن پیترال، ۱۳۹۰ و ۱۵ و ۶۵)

سید بخشی از کتاب «معالم فی طریق» را به «الجهاد فی سبیل الله» اختصاص داده است. سید در کتاب «معرکتنا مع اليهود» جهاد فی سبیل الله را تنها راه رسیدن به دارالاسلام و حکومت اسلامی و مبارزه با یهود و صهیونیسم و کفار می‌داند. (سیدقطب، ۱۴۱۳: ۵۶)

سیدقطب می‌گوید: «حکومت از طریق جهاد به دست می‌آید». (سیدقطب، ۱۳۶۵: ۲۳۴)

از نگاه عمر محمود ابوعمر (ابوقتاده فلسطینی) میان شمشیر و قلم و جهاد و اجتهاد رابطه بسیار محکمی برقرار است. اگر این رابطه دچار اختلال شود به بروز فساد و ویرانی در زمین کشیده خواهد شد. او در این باره می‌نویسد:

خداوند برای برپایی دین و رسیدن به برتری و پیروزی، همراه پیامبرش کتاب و حدید را نیز فرستاد «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ» (حدید: ۲۵)؛ یعنی

اینکه کتاب به سوی حق هدایت می‌کند و آهن هر آن‌کس را از حق خارج شده راست می‌گرداند. مردم جز از این طریق اصلاح نخواهند شد. هرگاه مردم در یکی از دو امر کتاب و آهن دچار ضعف شوند، شاهد بروز فساد و ویرانی خواهیم بود. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: با شمشیر مبعوث شدم تا آدمی خدای یکتا را پرستش بکند. میراث پیامبر در میان امتش دو چیز بود، کتاب هدایتگر و شمشیر مانع و اصلاح‌گر. مردم نیز دو دسته بودند؛ دانشمندان و جهادگران تبلیغ و جهاد دو امری است که از زمان پیامبر تا امروز پیوسته بوده و ایستایی نداشته است. (ابوعمر، بی‌تا (الف): ۱۰)

محمد عبدالسلام فرج، جهاد را آموزه‌ای فراموش شده و تنها راه نجات اسلام می‌داند. جهاد با حاکمان کشورهای اسلامی را واجب عینی می‌داند. وی با تألیف کتاب «الجهاد فریضه الغائبه» معتقد است که طاغوت‌ها از بین نمی‌روند مگر با شمشیر و جهاد. این کتاب از مهم‌ترین منابع فکری جهادی‌هاست. خداوند می‌فرماید: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ» (بقره: ۲۱۶)؛ «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ» (انفال: ۳۹). (فرج، بی‌تا: ۱۵-۳؛ خفاجی، ۲۰۰۹م: ۸۷)

ایمن الظواهری رهبر فعلی القاعده و صالح سریه، رهبر «سازمان شباب محمد»، جهاد را بر هر مرد و زنی واجب دانسته و آن را یگانه راه تغییر حکومت‌های نامشروع و احیای خلافت اسلامی می‌داند. هدف خود از جمع شدن دور هم را جهاد می‌داند. (سریه، ۱۴۰۲: ۳۲)

عبدالله عزام از بنیانگذاران القاعده با انتشار مجله «الجهاد» در سال ۱۹۸۴ مسلمانان را به جهاد در افغانستان دعوت و تشویق می‌نمود.

عزام، چهار مرحله برای جهاد نام می‌برد؛ مرحله اول هجرت از دارالکفر به دارالاسلام است. مرحله دوم اعداد است. مستند این مرحله، آیه «وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً» (توبه: ۴۶) است. وی آماده سازی عده را نشانه عزم برای جهاد می‌داند. وی معتقد است «الاعداد للجهاد كلوضوء لصلاة» است. مرحله سوم «الرباط» است. این مرحله محافظت از مرزهای اسلامی و سد نمودن مسیر دشمنان و کفار برای ورود به سرزمین اسلامی است. مستند قرآنی عزام برای این مرحله، آیه ۲۰۰ سوره مبارکه آل عمران است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا

اللَّهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». آخرین و چهارمین مرحله قتال و جهاد با شمشیر است. (عبدالحمید عقل، ۲۰۰۹م: ۹۹-۷۹)

در دیدگاه سلفیان جهادی، فقه پویا مساوی است با فقه جهادی. در نگاه زرقاوی فقهایی که در گوشه‌ای خزیده و به مباحث صرفاً تنزیحی پرداخته و از مباحث عملی کناره‌گیری کرده‌اند به غارت حاکمان مرتد و غارت‌گر مشروعیت می‌بخشند. (زرقاوی، ۱۴۲۷: ۲۲۹)

۱.۴.۷. جهاد ابتدایی:

سلفیان جهادی جهاد ابتدایی را منحصر به اذن پیامبر ﷺ نمی‌دانند، بلکه با توسعه مفهوم جهاد نوعی جهاد ابتدایی را برداشت و توصیه می‌کنند. برای مثال سید قطب جنگ علیه استعمار و انگلیس و فرانسه را جهاد دفاعی می‌داند. (سید قطب، ۱۹۷۹م: ۶۰)

محمد عبدالسلام فرج با این نظر که جهاد در اسلام فقط برای دفاع است، سخت مخالفت می‌کند. وی می‌نویسد:

اگر معتقدید که ما اکنون در جامعه مکی زندگی می‌کنیم و تکلیف جهاد بر ما واجب نیست، پس نماز و روزه را هم ترک کنید و از ربا خوردن امتناع نکنید، زیرا ربا خوردن در مدینه و پس از هجرت پیامبر ﷺ حرام شد. (فرج، بی‌تا: ۱۵-۳؛ خفاجی، ۲۰۰۹م: ۸۷)

المقدس، جهاد با کفار و حاکمان مرتد جامعه اسلامی را واجب می‌داند. وی جهاد را به لحاظ دستاورد و نتیجه به دو قسم تقسیم می‌کند؛ جهادی که از جنس حملات ایذایی است و جهادی که تحت عنوان نبردهای دوره تثبیت سلطه مسلمانان می‌گنجد. هدف از نبرد ایذایی ریختن بغض و کینه بر سر دشمنان خداست. این نوع نبرد در حد خشم ورزیدن به دشمنان، آزار و اذیت و کشتن آنان، مرعوب کردنشان، منع آنان از آزار مسلمانان، نجات گروهی مستضعفان یا آزادی اسیران است. این نوع جهاد هر چند فوری به تسلیم دشمن و تثبیت تسلط مسلمانان کشیده نمی‌شود، ولی عمل صالح و مشروع است. (صبوری ۱۳۹۳: ۱۰۶؛ المقدسی، بی- تا(ب): ۵۰)

۲.۴.۷. جهاد نزدیک:

سلفیان جهادی، جهاد با دشمن نزدیک را مقدم بر جهاد با دشمن دور می‌دانند. در نگاه آن‌ها کفار فطری و یهود و نصارا و کشورهای غربی و آمریکا و اسرائیل دشمن دور هستند و حاکمان کشورهای اسلامی و نظام‌های سکولار مسلمانان دشمن نزدیک و مرتد هستند. به دیگر سخن، در دیدگاه سلفیان جهادی جهاد با مرتدان مقدم بر جهاد با کفار فطری است. کفر مرتد از کفر فطری سنگین‌تر است. برای مثال المقدسی و ابوقتاده با استدلال به آیه ۱۲۳ سوره مبارکه توبه^۱ می‌نویسند:

ای مؤمنان با حاکمان مرتد کشورهای اسلامی که کافران نزدیک و هم‌جوار شما و از مدافعان اسرائیل و آمریکا هستند پیکار کنید. این حاکمان بستر غارت سرمایه‌های مسلمانان را برای صهیونیست‌ها فراهم می‌کنند. (المقدسی، بی‌تا(ب): ۵۰)

از استدلال‌های ابو عمر در تقدم جهاد با دشمنان نزدیک (مرتدان) عبارت است:

۱. به جای اسلام از قوانین بشری داوری جویی می‌کنند.
۲. با کافران یهودی و مسیحی و کمونیست دوستی و پیوند دارند.
۳. حفظ سرمایه (جامعه مسلمانان) مقدم بر کسب سود و ارزش افزوده است.
۴. حاکمان کشورهای اسلامی مفسد فی الارض بوده و خدا به مؤمنان فرمان داده است با مفسدان در زمین جهاد کنند. (ابو عمر، بی‌تا(الف): ۱۰)

۳.۴.۷. حاکمیت و ناسخیت آیات جهاد:

سلفیان جهادی آیات جهاد را مقدم و ناسخ و حاکم بر آیات صبر و صلح و عفو می‌دانند. برای مثال سلمان العوده می‌نویسد: آیات صبر، ناسخ آیات جهاد نیستند، بلکه درست برعکس است. هیچ عالمی معتقد نیست که جهاد منسوخ شده است. کسی که قائل به منسوخ شدن جهاد باشد کافر و مرتد است. (شحاده، ۱۳۹۵: ۱۳۰)

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِجِدُوا فِيكُمْ غَلْظَةً». (توبه: ۱۲۳)

ارزیابی:

۱. سلفیان جهادی با استناد به آیات جهاد و احادیث و سیره نبوی، جهاد پیامبر را ابتدایی می‌دانند (سیدقطب، ۱۹۷۹م: ۴۱-۳۷)، ولی به گواهی تاریخ و مفسران، جنگ‌های پیامبر ﷺ دفاعی بوده است. پیامبر از جهاد ابتدایی و آغاز به جنگ پرهیز می‌کردند. جنگ‌های پیامبر ﷺ به منظور پاسخ به تجاوزها و رفتارهای مشرکان یا برای تنبیه مشرکان و ستمگرانی بود که میثاق شکسته بودند یا مسلمانی را کشته و در فکر حمله به مسلمانان بودند. (طبری ۱۴۰۳: ۱۰۱۵/۳)

۲. ماهیت جهاد در نزد گروه‌های سلفی جهاد ابتدایی است. در قرون اخیر جهادی‌ها به بهانه جهاد با کفار و مرتدان هزاران نفر از مسلمانان را قتل عام کرده‌اند.

۳. در اندیشه‌های ابن تیمیه و مودودی و سیدقطب، جهاد بیشتر علیه دشمنان خارجی نظیر صلیبی‌ها و مغول‌ها و آمریکایی‌ها است، نه مسلمین؛ اما در اندیشه‌های وهابیت و سلفیان تکفیری مثل داعش جهاد بیشتر با مسلمانان است نه دشمنان خارجی و صلیبی‌ها و یهودی‌ها!

۴.۴.۷. جهاد زن:

یکی از زیرمجموعه‌های جهاد، جهاد زن است. در دیدگاه جهادی‌ها زنان باید دوشادوش مردان برای تغییر جامعه و سرنگونی طاغوت و تشکیل خلافت اسلامی تلاش کنند. جهاد دفاعی زنان بدون اذن ولی جایز است، ولی در جهاد ابتدایی باید یک محرم همراه زن باشد. (عزام، بی تا(ب): ۴۵)

شیخ یوسف العیبری کتابی با نام «دور النساء فی جهاد الاعداء: نماذج للمراهة المجاهدة من نساء السلف»، ضمن پرداختن به نقش زنان در جهاد با دشمنان، نمونه‌هایی از زنان مجاهد در صدر اسلام را مثال زده است. او در این کتاب با لحنی تشویقی خطاب به زن مسلمان در دوره معاصر می‌نویسد:

پیروزی اسلام در دوران خود بر کشورهای کافر به خاطر مسئولیت‌شناس بودن زن بود. همو بود که فرزندانش را برای جهاد پرورش می‌داد و در این راه، هم خود صبوری می‌ورزید، هم فرزندان و همسرش را به استقامت دعوت می‌کرد. آنچه دشمنان را به تلاش برای آزادسازی زن واداشت این بود که فهمیدند زن

شالوده و بنیاد اسلام است و اگر فاسد شود فرزندان و محیط اطرافش را به فساد خواهد کشاند. زن عاملی مهم در نبرد امروز است و باید با همه توانمندی‌ها و عواطف خود در صحنه حضور داشته باشد. حضور زن در صحنه به هیچ‌روی در حد عاملی تکمیلی در نبرد نیست، بلکه یکی از ارکان پیروزی است (المقدسی، بی تا (الف): ۴۸)

ابومحمد مقدسی در کتاب خود «مشروع الشرق الاوسط الكبير» فصلی را به حقوق زن اختصاص داده و آن را چنین آغاز کرده است:

دشمنان اسلام بر روی حقوق زنان مانور می‌دهند و می‌گویند حقوق زن در اسلام پایمال شده است. حجاب، زن را به موجودی در مانده و مقهور تبدیل کرده است. زن تحت ظلمی چون تعدد زوجات است. ارث او نصف ارث مرد است. امکان ازدواج با غیر مسلمان را ندارد. به بهانه آزادی و دموکراسی، زنان را به امور غیر اخلاقی و بی‌عفتی تشویق می‌کنند. این در حالی است که زن مسلمان از آغاز نبوت پیامبر ﷺ حضور داشته و نخستین کسی بوده که به او ایمان آورده و رسالت ایشان را تصدیق کرده است. زنان در جریان بیعت عقبه و هجرت از مکه و جنگ‌های مسلمانان حضور فعال داشتند. زن نقشی اساسی در طرح و برنامه جهادی‌ها دارد. حجاب او نمادی از مقاومت در زدودن هیمنه طاغوت است. زنان وارد گردان‌های «زنان استشهادی» در فلسطین، چین، عراق و دیگر کشورها شده‌اند. همچنین زنان در عرصه‌های رسانه‌ای و فضای مجازی و اینترنت حضوری فعالی دارند. (شحاده، ۱۳۹۵: ۱۹۳)

۸. ۴. هجرت:

هجرت یکی از مفاهیم اصلی سلفیان جهادی است. هجرت ابزاری برای تغییر وضع موجود و تحقق رسالت جهانی و تشکیل خلافت اسلامی است.

المقدسی می‌نویسد:

هر جا و در هر نقطه‌ای از جهان که ببینیم برادرانی از ما در آستانه ایجاد تغییر هستند، به آنجا هجرت کرده و در کنار آن‌ها خواهیم بود. پیش از هر چیز باید

دارالمسلمینی ایجاد کرد و به آن کوچید و به تقویت آن پرداخت. (همان):

(۱۲۹)

ابوبکر البغدادی قلمرو اشغال شده داعش را دارالاسلام می‌نامید. وی مسلمانان را برای هجرت به این منطقه تشویق و دعوت می‌کرد. هجرت برای یک مجاهد سلفی واجب عینی است. هجرت یا فیزیکی است و یا ذهنی، اگر مجاهدی نتوانست هجرت فیزیکی داشته باشد باید هجرت ذهنی داشته باشد و در همان منطقه سکونت خود به اندازه وسع اقدامی داشته باشد. (فراتی: ۱۳۹۶: ۱۰۸) سلفیان مفهوم هجرت را با قیاس به هجرت مسلمانان نخستین از سیدقطب اقتباس کرده‌اند. سید عقیده داشت پیامبر ﷺ در زمان ضعف از جامعه جاهلی هجرت نمود. شرایط فعلی جهان اسلام شبیه دوران مکه رسول خدا ﷺ است. (سیدقطب، ۱۳۹۰: ۱/ ۵۶۳)

۸. ۴. ۱. مبانی هجرت:

به نظر یکی از احادیثی که دستاویزی برای مهاجرت جهادگرایان سلفی شده است، حدیث ذیل از پیامبر ﷺ است که فرمودند: «إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَسَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنِ الْغُرَبَاءُ؟ قَالَ: النَّزَاعُ مِنَ الْقِبَالِ»؛ اسلام غریب متولد شده و همچنان نیز غریب خواهد شد؛ خوش به سعادت غریب‌ها. وقتی از پیامبر ﷺ درباره غریبان سؤال شد، فرمودند: کسانی هستند که از قبایل خود هجرت می‌کنند. (ابن‌حنبل، ۱۴۱۶: ۴/ ۳۰، ح ۳۷۸۳)

واژه «غرباء» در حدیث فوق، معنایی مثبت یافته و موجب تشویق به مهاجرت جهادی‌ها شده است. داعش مفهوم «غرباء» را مکانی معلوم در عراق و شام می‌دانست که در آن حکومتی دینی برپا و شریعت اجرا می‌شد، لذا از مسلمانان می‌خواست که به عراق و شام هجرت کنند. در همین راستا در بیان‌های خود می‌گفت:

در هر کجا که هستید نخستین اولویت، هجرت به دولت اسلامی است. به همراه خانواده و خواهران و برادران و فرزندان خود از دارالکفر به دارالاسلام به سوی دولت اسلامی بشتابید. در اینجا امکانی برای زندگی شما در نظر

گرفته شده است. داعش برای توجیه دینی هجرت به عراق و شام و بریدن از تعلقات قلبی و قبیله‌ای به حدیث غرباء استدلال می‌نمود.

برخی احادیث، شام را در آخر الزمان مقصد مهاجران فی سبیل الله معرفی می‌کند. همچنین ابن تیمیه شام را مقصد هجرت ابراهیم خلیل الله می‌داند. این نوع روایات دستاویز تبلیغیات داعش برای دعوت مهاجران به شام شده است. از نگاه داعش ماندن و زیستن در جامعه جاهلی بیماری قلب است و هجرت به دارالاسلام یا شام، یک واجب ضروری و تکلیف دینی است. (فراستی، ۱۳۹۶: ۱۰۹)

۹.۴. نکایه و انهاک:

یکی از مفاهیم بنیادی سلفیان جهادی استفاده از نظریه «النکایه و الانهاک» است. در قرائت جهادی‌ها «نکایه و انهاک»، ایجاد هر گونه صدمه و آسیب رساندن به دشمن است که موجبات ضعف و در نهایت نابودی آن را فراهم کند. این نظریه در کتاب «اداره التوحش» به وسیله ابوبکر ناجی مطرح شده است. بر اساس نظریه ناجی، یکی از مراحل اساسی در تشکیل حکومت اسلامی، ایجاد ناامنی، بی‌ثباتی و در نهایت فرسایش و تضعیف دولت است. این کتاب، مانیفیست القاعده است و استراتژی‌های القاعده را در تقابل با دشمنان مشخص می‌کند. در این کتاب توصیه می‌شود که با هرگونه صدمه‌زدن به جامعه جاهلی، از کوبیدن یک عصا بر سر یک صلیبی تا عملیات‌های انتحاری زمینه تشکیل خلافت اسلامی را فراهم کنند. کسانی که به هر دلیلی نظیر سن یا بیماری امکان مهاجرت و پیوستن به داعش را نداشته باشند نباید منتظر فراهم شدن مقدمات یا دستور از سوی مقامات بالای القاعده برای مقابله با دشمنان باشد، بلکه باید به هر وسیله ممکن و مقدور به مبارزه نظامی و مسلحانه، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی با طاغوت و جاهلیت بپردازد. نظیر زیرگرفتن عابران با ماشین و فراهم کردن بستر ناامنی و فرسایش. به دیگر سخن، خشونت‌طلبی و هر عمل خشن، سفارش می‌شود. (ناجی، بی‌تا: ۲۳)

حملات تروریستی و قتل عام‌های خشن مسلمانان به وسیله جهادی‌های داعش یک امر مرسوم و عادی شده است. در نگاه داعش، عملیات انتحاری در مسجد، بازار، صف بیکاران، مدرسه و یا بریدن سر اسیران یا زنده سوزاندن خلبان اردنی در

قفس، امری عادی است. کشتار دانش‌آموزان خردسال دیگر مذاهب نیز از نظر آنان جایز است. به اعتقاد جهادی‌ها هر کس دست‌کم ده نفر را بکشد، لقب «امیر» را دریافت خواهد کرد. گفتنی است داعش پس از تصاحب قدرت اقدام به بازسازی و عمران مناطق تحت سیطره خود می‌کند. برای مثال آبرسانی، پل‌سازی، بیمارستان‌سازی، تأسیس خانه سالمندان و یتیم‌خانه و توزیع گوشت و مواد خوراکی بخشی از اقدامات داعش پس از استقرار در عراق است. (دابق: ۲/ ۳۵؛ ۴/ ۲۷)

۱۰.۴. تغلب:

«تغلب»، لغتی عربی به معنای «به چیرگی تمام دست‌یافتن به چیزی یا به قهر (زور) استیلا یافتن بر بلاد» است. در ادبیات سیاسی جهان اسلام، تأسیس حکومت با استفاده از قهر و خشونت و بدون توجه به خواسته مردم را «تغلب» می‌نامند. (دهخدا، ۱۳۷۳: ۴۲۳۱)

در این نظریه، قدرت مساوی با حقانیت است. فقها این نظریه را با عبارت «الحق لمن غلب» تبیین کرده‌اند. در جهان اسلام نظریه تغلب به عنوان یکی از منابع مشروعیت قدرت به وسیله افرادی نظیر ابن تیمیه، ابن قیم، غزالی و ماوردی تبیین شده است. این نظریه به وسیله ابن خلدون در قالب «نظریه عصیبت» مطرح شده است. قاضی ابویعلی از احمد حنبل گزارش کرده است که: «امامت افزون بر حل و عقد و انتصاب امام قبلی با قهر و غلبه نیز ثابت می‌گردد و در این صورت نیازی به عقد بیعت نیست؛ هر چند که آن حاکم فاجر باشد». (ابن‌فراء، ۱۴۰۸: ۲۴)

غزالی می‌نویسد: «الحق لمن غلب و الحکم لمن غلب، نحن مع من غلب»؛ حق با آن کسی است که غالب شود و حکومت هم برای اوست و ما نیز همراه حاکم غالب هستیم. (غزالی، ۱۳۵۱: ۱۳۰)

ابن تیمیه در توجیه این دیدگاه می‌نویسد:

آشکاراست که امور مردم نمی‌تواند سروسامان گیرد، مگر به مدد حکام، حتی اگر کسی از سلاطین بیدادگر باشد بهتر از آن است که هیچ‌کس حاکم نباشد،

چنان‌که گفته‌اند شصت سال با حاکم ظالم به سربردن، بهتر است تا یک شب بدون حاکم. (اسماعیلی، ۱۳۹۷: ۱۸۳)

بنابراین پذیرش غلبه به عنوان یکی از راهکارهای مشروعیت حکومت در میان سلفیان جهادی پذیرفته شده است. طالبان با زور و غلبه، حکومت امارات اسلامی در افغانستان تشکیل داده است. در جهان اسلام معاویه برای نخستین بار از طریق غلبه، خلافت را به سلطنت تبدیل و یزید را به ولایتعهدی خود منصوب نمود. سلفیان جهادی معاصر معاویه و مدلل حکومت او را ستایش می‌کنند. ظاهراً انتخاب قلمرو داعش (مخفت مرکز خلافت اسلامی عراق و شام) به تأسی از دوران جغرافیای حکومت معاویه باشد.

نظریه تغلب در دیدگاه سید قطب توصیه شده است. وی می‌نویسد:

بر ما لازم است که از شر جامعه جاهلی و آداب و سنن جاهلی و رهبری جاهلی خود را خلاص کنیم. وظیفه نخستین ما این است که وضعیت فعلی را از ریشه دگرگون سازیم هرچند با استفاده از قوه قهریه باشد و به نظر می‌رسد این کار بدون به‌کارگیری زور امکان‌پذیر نیست. (سید قطب، ۱۹۷۹م: ۲۲)

ابن تیمیه حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس را پادشاهی می‌داند و معتقد است پیروی از این پادشاهان هرچند که شرایط رهبری را نداشته‌اند، درست و واجب است، زیرا اطاعت کردن از هر رهبر پیروز و غالب واجب است تا اینکه بدون فتنه تغییر کند، زیرا آن‌ها حدود الهی را اجرا می‌کنند و به شهرها نظم می‌دهند و با دشمنان مسلمانان می‌جنگند. (ابوزهره، ۱۹۹۱م: ۲۹۱)

نتیجه‌گیری

سلفیان جهادی گرایشی از اهل حدیث اهل سنت هستند که در قرن حاضر، نظام‌مند و گسترده‌تر شدند. این گرایش فکری با تمرکز بر برخی از مفاهیم نوعاً کاربردی و عملی قرآن، معنایی انحرافی و خلاف برداشت سایر مسلمین داشته و موجب شکل‌گیری جنبش‌های جهادی و تکفیر دیگران در جهان اسلام شده است. یکی از ویژگی‌های سردمداران جنبش‌های جهادی تکفیری نداشتن تحصیلات عالیه

حوزوی و سنتی و نداشتن فهم عمیق و اجتهادی و گسترده از قرآن و سنت است. همچنین به نظر یکی از عوامل شکل‌گیری این جنبش‌ها حاکمان اسلامی باشند. حاکمان کشورهای اسلامی جهت تداوم قدرتشان و سروسامان دادن به اوضاع اقتصادی به تصویب قوانین بین‌المللی حقوق بشر و قوانین خوشایند حاکمان غربی و گاه قوانین ضد اسلامی و درآمدزا می‌پردازند. همچنین بی‌عدالتی و خانواده‌سالاری و ظلم و گناه و فسق آشکار آن‌ها و سوءمدیریت و فقر گسترده در کشورهای اسلامی دستاویزی برای شکل‌گیری جنبش‌های جهادی و تکفیری شده است. مسئله فلسطین و اشغال افغانستان و عراق و لیبی در شکل‌گیری این جنبش‌ها نیز بی‌تأثیر نیست.

به نظر یکی از سازوکارهای اصلی کنترل جنبش‌های جهادی، در رفتار عادلانه و اسلامی حاکمان کشورهای اسلامی و تصویب و اجرای قوانین اسلامی و ممنوعیت قوانین ضد اسلامی و عمل به مناسک و شرایع اسلامی نهفته باشد. همچنین یکی دیگر از این روش‌ها تعامل و گفتگوی علمی و راه‌اندازی جنبش‌گفتمان علمی در جهان اسلام و توجه به علما و فقهاست.

منابع و مأخذ:

- ابن تیمیه، حمد بن عبدالحلیم (۱۴۲۵)، الحسبة لشیخ الإسلام ابن تیمیه رحمه‌الله، تحقیق علی بن نایف الشعود، الطبعة الثانية، ریاض.
- _____ (۱۴۳۲)، تفسیر شیخ‌الاسلام ابن تیمیه، ریاض: دار ابن الجوزی.
- _____ (۱۴۲۶-۲۰۰۵)، مجموع الفتاوی، ریاض: دارالوفا.
- ابن‌قرآء، ابویعلی محمد بن حسین (۱۴۰۸)، الأحكام السلطانية، تصحیح محمد حامد الفتی، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي.

- ابوزهره محمد (۱۹۹۱)، ابن تیمیه حیات و عصره، آرا و فقهه، قاهره: دارالفکر العربی.
- ابو عمر، عمر محمود «ابوقتاده» (بی تا) (الف)، لماذا الجهاد، منبر التوحید و الجهاد، www.tawhed.ws/r
- ابو عمر، عمر محمود «ابوقتاده» (بی تا) (ب)، حول مرجئه العصر، منبر التوحید و الجهاد، www.tawhid.ws
- ابو عمر، عمر محمود «ابوقتاده» (بی تا) (ج)، نظرة جديدة في الجرح و التعديل الباني، منبر التوحید و الجهاد، www.tawhid.ws
- اسماعیلی محمد مهدی (۱۳۹۷)، بررسی مقایسه ای جمهوری و تغلب در آرای امام خمینی و سید قطب، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، س ۷، ش ۲۵، ص ۱۹۸-۱۸۰.
- برگن پیترا (۱۳۹۰)، اسامه بن لادن، ترجمه عباسقلی غفاری فرد، تهران: اطلاعات.
- البناء حسن (بی تا)، مجموعه رسائل الامام الشهيد حسن البناء، مصر: دارالدعوة.
- خفاجی، ا.ع (۲۰۰۹م)، الحركات الاسلامية المعاصرة والعنف، بغداد: دارالشؤون الثقافية العامة.
- دسوقی، ف.ا (۱۹۹۸م)، الخلافة الاسلامية: اصولها الاعتقادية و حقيقتها و عودتها الحتمية، اسكندرية.
- رشيدرضا، سيد محمد (۲۰۱۰م)، مجله المنار، كويت: المكتبة الشاملة.
- زرقاوى ابومصعب (۱۴۲۷)، كلمات المضيه، شبكة البراق الاسلامية.
- زرقاوى، ابومصعب (بی تا)، كلمات مضئيه، بی جا، بی نا.
- سريه صالح (۱۴۰۲)، رسالة الايمان، مصر: دارالمعارف
- سيد قطب، ابراهيم حسين شاذلى (۱۳۶۵)، فاجعه تمدن و رسالت اسلام، ترجمه على حجتي کرمانی، چ ۶، تهران: انتشارات القبس.
- _____ (۱۳۸۹)، في ظلال القرآن، ترجمه مصطفى خرم دل، تهران: احسان.

- _____ (۱۳۹۰)، معالم فی الطریق، ترجمه محمود محمودی، ج ۲، تهران: احسان.
- _____ (۱۳۹۴)، نشانه‌های راه، ترجمه محمود محمودی، [بی جا]: نشر الکترونیکی بنیاد نشر افکار سید قطب.
- _____ (۱۴۰۵)، فی ظلال القرآن، بیروت/ قاهره: دارالشروق.
- _____ (۱۴۱۳)، معرکتنا مع اليهود، بیروت: دارالشروق.
- _____ (۱۹۷۹م - ۱۳۹۹ق)، معالم فی الطریق، بیروت/ قاهره: دارالشروق.
- شحاده، مروان (۱۳۹۵)، سیر گفتمان سلفی‌گری، ترجمه محمد کاظم جعفری، تهران: سروش.
- صبوری رحیم (۱۳۹۳)، جاهلیت در نگاه سلفیه جهادی و اثرات سوء آن بر جهان اسلام، پژوهشنامه نقد و هابیت «سراج منیر»، س ۴، ش ۱۶، ص ۹۰-۱۱۶.
- طبری، محمد جریر (۱۴۰۳)، تاریخ الطبری، بیروت: موسسه اعلمی.
- الطرطوسی ا.ب (۲۰۱۶م)، الحکام السلطانیة و السیاسة الشریعة (www.abubaseer.bizland.com/books)
- عبدالحمید عقل. ا (۲۰۰۹)، معالم التریبه الجهادیة فی ضوء کتابات الشیخ عبدالله عزام، رساله ماجستیر، غزه: جامعه الاسلامیه.
- عبدالرحمن عمر (بی تا)، کلمة حق «مرافعه التذکتور عمر عبدالرحمن فی قضیه الجهاد»، القاهره: دارالاعتصام.
- عبدالعزيز عبدالقادر (بی تا)، الجامع فی طلب العلم الشریف، شبکه الحسبه، www.alhesbeh.net
- عزام، عبدالله (بی تا) (الف)، الاسلام والمستقبل البشريه «اسلام و اینده بشریت» ترجمه محمد امین کیانی، بی جا
- _____ (بی تا) (ب)، الحق بالقافله، بشاور، پاکستان: مرکز الشهد عبدالله عزام.

- العلیانی، علی بن نفع (بی تا)، اهمیت الجهاد فی نشر الدعوة الاسلامیة والرد علی الطوائف الضالة فیہ، ریاض: دار طیبہ للنشر.
- غزالی، محمد بن محمد (۱۳۵۱)، احیاء علوم الدین، ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیوچم، تهران: انتشارات علمی، فرهنگی.
- فراتی، عبدالوهاب (۱۳۹۶) ایدئولوژی تکفیر؛ سرشت و راهبرد مواجهه با آن، فصلنامه علوم سیاسی، بهار سال ششم شماره ۷۷، صص (۱۲۷-۱۰۰)
- فرج، عبدالسلام (بی تا) الفریضه الغائبه، منبر التوحید و الجهاد (www.ilmway.com/site/maqdis)
- کمیل، طویل (۱۳۹۱)، القاعده و خواهرانش، تهران: اندیشه سازان نور.
- کوپل، ژیل (۱۳۸۲) پیامبر و فرعون، مترجم حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
- مهدی بخشی شیخ احمد (۱۳۸۵)، سید قطب و اسلام گرایي معاصر، فصلنامه علوم سیاسی، س ۹، ش ۳۳، ص ۱۹۰-۱۷۰.
- مروان، شحاده (۱۳۹۵)، سیر گفتمان سلفیگری، ترجمه محمد کاظم جعفری، تهران: انتشارات سروش.
- المقدسی ابومحمد (بی تا) (الف)، مشروع الشرق الاوسط الكبير، منبر التوحید و الجهاد، www.tawhed.ws
- المقدسی ابومحمد (بی تا) (ب)، وقفات مع ثمرات الجهاد، منبر التوحید و الجهاد، www.tawhed.ws
- ناجی ابی بکر (بی تا)، ادارة التوحش، خطر مرحله ستمر بها الامه، ابوظبی: مرکز الدراسات و البحوث الاسلامیه.
- نسیره . ه (۲۰۱۳)، السلفية الجهادية و تنظيم القاعده، المنطلقات الفكرية والمرجعيات الفقهية، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیه.